

بررسی مبانی دفاع مشروع در فقه اسلامی و حقوق ایران

عوض کاظمی^۱ و محمدرضا میرزایی^۲

چکیده

دفاع مشروع، به‌عنوان یکی از موضوعات مهم در حقوق کیفری، به فرد اجازه می‌دهد در برابر خطر آنی و غیرقابل دفع، از خود یا دیگری دفاع کند بدون آن که متحمل مسئولیت کیفری یا مدنی شود. فقه اسلامی نیز با تأکید بر اصول عقلانی، اخلاقی و شرعی، این موضوع را تحت شرایط خاصی پذیرفته و برای آن ضوابط مشخصی تعیین کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، به بررسی مفهوم، مبانی، شرایط تحقق و حدود دفاع مشروع در فقه اسلامی و حقوق ایران پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تحقق مشروعیت دفاع در فقه و حقوق، منوط به وجود خطر فعلی و قریب‌الوقوع، ضرورت در انجام دفاع، تناسب میان حمله و دفاع و فقدان راه‌حل جایگزین است. همچنین، قصد دفاع و عدم تجاوز از حدود شرعی در واکنش دفاعی، از جمله شرایطی است که در متون فقهی و حقوقی مورد تأکید قرار گرفته است. این مطالعه نشان می‌دهد که دفاع مشروع، در صورت تحقق شرایط لازم، معاف از مسئولیت کیفری بوده و در مواردی، آن را الزامی می‌داند.

کلیدواژه‌ها: دفاع مشروع، فقه امامیه، ضرورت، تناسب، مسئولیت کیفری، حقوق

۱. دکتری فقه قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

مقدمه

دفاع از جان، مال، عرض و آزادی در برابر تجاوز، یکی از اصول پذیرفته شده در نظام‌های حقوقی و اخلاقی جوامع بشری است. در فقه اسلامی نیز این نهاد با عنوان «دفاع مشروع» مورد توجه قرار گرفته و در مواردی خاص، نه تنها به عنوان یک حق، بلکه به عنوان یک تکلیف شرعی مورد شناسایی واقع شده است. با این حال، تعیین دقیق شرایط و ضوابط دفاع مشروع در منابع فقهی، به ویژه تمایز آن با مفاهیمی چون قصاص، دفع قبل از تحقق حمله و مجازات‌های شرعی، همواره محل تأمل و اختلاف نظر بوده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که دفاع مشروع در فقه اسلامی و حقوق ایران تحت چه شرایطی مجاز شناخته می‌شود و چه معیارهایی برای تشخیص حدود آن وجود دارد؟

ضرورت پرداختن به این موضوع از آن روست که با توجه به جایگاه فقه در نظام حقوقی کشورهای اسلامی و تأثیر مستقیم آن بر تدوین قوانین کیفری، تبیین دقیق مفهوم دفاع مشروع از منظر فقهی می‌تواند زمینه ساز ارتقاء دقت در استنباط احکام و نیز جلوگیری از تفسیرهای نادرست یا موسع در مقام اجرا گردد. همچنین در فضای کنونی که ضرورت حمایت از افراد در برابر خطرات آتی با اصول حقوق بشر و عدالت کیفری درهم آمیخته است، بررسی مجدد این نهاد فقهی می‌تواند پاسخ گوی نیازهای نوپدید در عرصه قانون گذاری و قضاوت باشد.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. در این راستا، با مراجعه به آیات قرآن کریم، روایات معتبر، دیدگاه‌های مشهور فقیهان امامیه و اهل سنت و تحلیل تطبیقی آن‌ها، تلاش شده است تا تصویری جامع و منسجم از مبانی، شرایط و حدود دفاع مشروع در فقه اسلامی و حقوق ارائه شود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که فقه اسلامی با تکیه بر اصولی چون ضرورت، تناسب، فوریت و قصد دفاع، چارچوبی نسبتاً منظم و قابل تطبیق برای شناسایی مشروعیت دفاع فراهم آورده و در صورت تحقق این شرایط، نه تنها مدافع را از مسئولیت کیفری معاف می‌داند، بلکه در برخی موارد، دفاع را واجب شرعی معرفی می‌کند.

۱- تعریف دفاع مشروع

دفاع در لغت عبارت است از رفع به معنای ازاله و از بین بردن و به قوت دور نمودن. «آن را رفع کردم، یعنی دور کردم» (مقری، بی تا، ص. ۱۹۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۷۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج. ۴، ص. ۳۶۹). در اصطلاح فقها، اختلاف با معنی لغوی آن ندارد و فقها آن را به معنای دفع دشمن از تسلط و مسلط شدن بر دماء، اعراض، اموال و شهرهای مسلمین جهت تعرض و... استعمال کرده‌اند (کاشف الغطاء، ۱۳۸۰، ج. ۴، ص. ۲۸۸). تعریف دیگری نیز بیان شده که دفاع به معنای دفع کسی است که اراده اعتلا و تعدی بر او یا حریمش یا مالش را داشته باشد (شاهرودی، ۱۴۴۱ق، ج. ۴۴، ص. ۲۶۱).

قبل از بیان ادله مشروعیت دفاع، تذکر این نکته لازم است که فقها دفاع شرعی را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: الف) دفاع شخصی، که دفاع از نفس یا دفاع از عرض یا دفاع از مال یا دفاع از غیر است و هر

کدام احکام خاص خود را دارند و حکم بعضی نسبت به بعضی دیگر فرق می‌کند. ب) دفاع جمعی یا جهات دفاعی است و آنچه در این اثر محور بررسی و تحلیل است، همان قسم اول می‌باشد.

هرگاه کسی بر نفس، مال، عرض و ناموس دیگران تعدی کند یا اینکه انسان تجاوز به نفس، مال و عرض غیر را مشاهده کند یا اینکه حیوانی بر شخصی حمله کند، لازم است دشمن را از خود دفع کند. البته دفاع به قدری باشد که گمان دفع برود؛ یعنی دفع به قدری لازم است که غالباً احتمال دفع داده می‌شود. این دفاع با این خصوصیت، از غیر هم لازم است و کسی که مورد تجاوز قرار گرفته است باید او را مورد حمایت قرار داد و از آن دفاع کند. مثلاً قافله‌ای که مورد حمله دزدان قرار گرفته‌اند، برای اهل غیرقافله لازم است که از قافله دفاع کنند.

گرچه فقها دفاع در برابر نفس، عرض و اموال را واجب می‌دانند، ولی شافعی در یکی از دو قول خود می‌گوید: دفاع واجب نیست و جایز است تسلیم شود و این قول ابواسحاق نیز است (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ج. ۵، ص. ۳۴۶). علامه حلی در تذکره فرموده: دلیل این قول این است که عثمان بن عفان برای قتل، تسلیم شد، با اینکه قدرت دفاع را داشت؛ ولی علامه این قول را قبول نداشته و دلیل آن را رد می‌کند. زیرا فعل عثمان را حجت نمی‌داند (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج. ۹، ص. ۴۳۵).

۲- ادله مشروعیت دفاع شخصی در فقه و حقوق

ادله‌ای که فقها به آن استدلال کرده‌اند به چند دسته تقسیم می‌شود:

الف) آیات: یکی از ادله‌ای که در منابع فقهی امامیه و عامه به آن تمسک شده است، آیات است. شیخ طوسی در کتاب خلاف و سبزواری در مذهب/لا حکام به آیه شریفه ذیل استناد کرده‌اند: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...» (بقره ۱۹۵) یعنی خود را به دست خود، به هلاکت نیندازید (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ج. ۵، ص. ۳۴۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۱۵، ص. ۱۰۱). استدلال به این آیه شریفه این است که اگر کسی خود را تسلیم متجاوز کند، در واقع نفس خود را در معرض هلاکت قرار داده است.

در برخی از کتب فقهی اهل سنت به این آیه شریفه استناد شده است: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره ۱۹۴) یعنی هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تجاوز کنید و از خدا بپرهیزید (زیاده‌روی نکنید) و بدانید که خدا با پرهیزکاران است. در این آیه شریفه، امر به تقوا شده و این دلیل است که در دفاع، مماثلت، تدرج و شروع از مرحله خفیف‌تر لازم و ضروری است (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۵۲؛ شربینی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۱۹۴). در تفسیر قرطبی، «اعتداء» را تجاوز معنی کرده است (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج. ۲، ص. ۳۶۰). این آیه اصل دفاع را در برابر متجاوز مشروعیت می‌بخشد، به‌خاطر فعل امر «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ». همچنین، شرط دفاع را بیان می‌کند که ما باید به تدریج و مراحل دفاع را رعایت کنیم و دلیل این شرط نیز، امر به تقوای خداوند است.

ب) روایات: از دیگر ادله‌ای که مورد استناد برای وجوب دفاع قرار گرفته، روایات است. در منابع فقهی به روایات زیادی استناد شده است که از باب اختصار، به ذکر چند حدیث اکتفا می‌کنیم. صنعانی از پیامبر



اسلام روایت کرده که فرموده: «کسی که مورد ظلم قرار بگیرد و به قتل برسد، شهید است.» این حدیث در سنن اربعه و صحیح ترمذی هم ذکر شده است (صنعانی، ۱۳۷۹ق، ج. ۴، ص. ۴۰). حدیث دیگری را ابی هریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که کسی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: مردی آمده و اراده اخذ مال مرا دارد. رسول خدا فرمود: مالت را نده. عرض کرد اگر با من مقاتله و جنگ کرد چه کنم؟ فرمود: با او بجنگ. عرض کرد که اگر مرا به قتل رساند چه می‌شود؟ فرمود: تو شهید هستی! اگر او به قتل رسید، خونس به هدر رفته است (صنعانی، ۱۳۷۹ق، ج. ۴، ص. ۴۰). روایت دیگر از غیاث بن ابراهیم از امام جعفر صادق (ع) و پدر بزرگوارشان نقل شده است که می‌فرمایند: هرگاه دزد وارد منزلت شد و قصد بی‌حرمتی به اهلت و اخذ مالت را دارد، اگر می‌توانی جلو او را بگیری، این کار را انجام بده و بعد فرمود: دزد، محارب است و با او مقاتله کن (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۱۸، ص. ۵۴۳).

ج) اجماع: دلیل دیگری که برای وجوب دفاع مشروع در منابع فقهی بیان شده، اجماع است. مرحوم سبزواری در تهذیب الاحکام، اجماع فقها و عقلا را از ادله وجوب دفاع دانسته است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۱۵، ص. ۱۰۱). علامه حلی و صاحب جواهر نیز ادعای اجماع نموده‌اند (نجفی، بی‌تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج. ۹، ص. ۴۳۵). میرزا جواد تبریزی و حضرت امام خمینی ادعای عدم خلاف و اشکال نموده‌اند (تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۵۷؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۶۷). از فقهای عامه، کسانی که ادعای اجماع نموده‌اند، ابن تیمیه در کتاب الفتاوی الکبیر و مجموع الفتاوی (ابن تیمیه، ۱۴۰۸ق، ج. ۳، ص. ۵۵۳؛ ابن تیمیه، بی‌تا، ج. ۲۸، ص. ۵۳۹) و بکری دمیاطی در کتاب اعانة الطالبین می‌باشد (بکری دمیاطی، ۱۴۱۸ق).

د) عقل: از دیگر ادله‌ای که برای وجوب دفاع مشروع اقامه شده، عقل است که برخی از فقها به این دلیل تمسک کرده‌اند. شیخ طوسی در خلاف می‌گوید: «عقل اولیه حکم به وجوب دفع ضرر از نفس می‌کند؛ کسی که قدرت دارد و دفع ضرر از نفس نکند، مستحق مذمت است» (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ج. ۵، ص. ۳۴۵). سبزواری در این مورد بیان داشته که وجوب دفاع شرعی نه تنها یک مسئله اجماعی است، بلکه عقلایی و حکم قطعی عقل است. زیرا این یک مسئله وجدانی است که نیاز به دلیل ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۱۵، صص. ۱۰۲-۱۰۱). همچنین از جمله کسانی که تمسک به دلیل عقل نموده‌اند، فاضل هندی است که فرموده: «عقل، حکم به وجوب دفع ضرر می‌کند» (فاضل هندی، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۶۴۹). از دیگر کسانی که به عقل استناد کرده، محقق اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان است که فرموده: «دفاع، دفع ضرر ممکن از نفس است و این جایز، بلکه از نظر عقل و نقل واجب است.» همین طور صاحب ریاض نیز، وجوب دفاع را مستند به عقل نموده است (محقق اردبیلی، ۱۴۱۷ق، ج. ۱۳، ص. ۳۰۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۶، ص. ۱۶۲). در منابع فقهی عامه استناد به دلیل عقل نشده و تنها زحیلی، ادله وجوب دفاع شرعی را آیات کثیره و سنت معقول دانسته است (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۵۲).

با مراجعه به منابع حقوقی نیز، متوجه می‌شویم که مسئله دفاع مشروع، یکی از مسائلی است که مورد توجه حقوق دانان بوده و در قانون به آن اشاره شده است. مثلاً در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی آمده



است: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود.»

این ماده، همراه با سه تبصره، موارد دفاع مشروع و شرایط آن را ذکر کرده است که بعضی از موارد دفاع و شرایط آن از نظر فقها مورد تأمل و بحث و بررسی است که در ادامه، موارد دفاع و شرایط آن و همچنین تأملات و ملاحظات فقها را بیان خواهیم کرد:

هرچه از آیات، روایات، اجماع و عقل به‌عنوان دلیل دفاع شرعی از نفس، عرض و مال بیان شد، در جایی است که خطر و ضرر به شخص یا دیگری ناحق باشد. ولی اگر خطر برحق و مشروع بود، مانند ادب‌کردن پدر فرزند خود را یا اقامه حدود و تعزیرات به دستور حاکم شرع، در این صورت دفاع معنی ندارد.

۳- شروط مشروعیت دفاع شخصی در فقه و حقوق

برای مشروعیت دفاع در فقه و حقوق، شرایطی بیان شده که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد:

الف) شرط عدم امکان خلاصی

یکی از شرایطی که برای دفاع مشروع در منابع فقهی آمده این است که: حفظ جان و حریم انسان بستگی به دفاع داشته باشد. چون برای حفظ جان و حریم، دفاع واجب است؛ ولی اگر توقف نداشت، مثل جایی که حفظ نفس و حریم با فرار حاصل شود، در این صورت دفاع واجب نیست (تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۵۷). شهید ثانی در *مسالك* بیان داشته اگر سلامت با فرار امکان دارد و فرار، یکی از اسباب حفظ نفس است، این فرار واجب عینی است (شهید ثانی، ۱۴۲۹ق، ج. ۱۵، ص. ۱۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۶، ص. ۱۶۲). همچنین سبزواری در *تهذیب الاحکام* و علامه در *تذکره* فرموده‌اند: «اگر دفع مهاجم به فرار کردن یا فراری دادن مهاجم از چنگ او امکان داشته باشد، نوبت به وجوب دفاع نمی‌رسد» (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۲۸، ص. ۱۶۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج. ۹، ص. ۴۳۵). حضرت امام خمینی فرموده: «در صورتی که خلاصی از قتال به فرار و مانند آن امکان داشته باشد، این کار را بنابر احتیاط، باید انجام بدهد» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۶۸).

آنچه از کلام فقهای امامیه دریافت می‌شود، این است که فرار به‌صراحت از شرایط نبوده، ولی به‌طور کلی این مطلب را ثابت می‌کند که در فرض امکان خلاصی از دست مهاجم، فرار واجب است و فرقی ندارد که واجب عینی باشد یا تخییری. پس می‌توان نتیجه گرفت که فرار، یکی از شرایط دفاع مشروع در فقه اسلامی است. زحیلی در کتاب *الفقه الاسلامی* می‌گوید: «یکی از شرایط دفاع به‌صورت مقابله و دفاع این است که امکان دفع تعدی و تجاوز به طریق دیگر امکان نداشته باشد. ولی اگر راهی دیگر وجود داشت، مثل استغاثه به مردم؛ اگر این کار را نکرد و در مقام دفاع، مقابله کرد، متعدی محسوب می‌شود» (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۵۴). اگرچه ایشان برای طریق دیگر مثال به استغاثه زد، ولی این از باب مثال است و فرار نیز می‌تواند مصداق طریق دیگر برای مقابله باشد.



در کتاب *روضه‌الطالبین* که از کتب فقهی عامه است، بیان شده: «اگر برای کسی که مورد تعدی قرار گرفته، بر فرض که قدرت فرار یا پناه‌بردن به محل امنی یا التجا به گروهی امکان دارد و در اینکه مقاتله کند یا برای نجات خود از راه‌های مذکور استفاده کند، فقها دو قول را بیان کرده‌اند که اظهر و اصح، وجوب فرار است؛ برای اینکه او، مأمور به نجات جان‌ش است به ساده‌ترین راه...» (نووی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۳۹۳). در شرح کبیر آمده که: «با فرض امکان فرار خود و اهلش بدون مشقت، از دست مهاجم، جرح آن جایز نیست، چه رسد که قتل آن جایز باشد» (ابوالبرکات، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۳۵۷).

اما اینکه فرار نتیجه‌بخش باشد یا نه؟ در اکثر منابع فقهی قید نشده، ولی این قید را دارد که «فرار امکان داشته باشد». ظاهراً این قید تقریباً همان نتیجه‌بخش بودن فرار را می‌رساند و به‌طور کلی می‌توان از فرمایش فقها نتیجه گرفت که در فرض امکان فرار، دفاع واجب نباشد. برخی از فقها متذکر این شرط نشده و سکوت کرده‌اند. ولی برای کسانی که متذکر شده‌اند، شرطیت آن محرز است.

اگرچه این شرط به‌صراحت در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی ذکر نشده، ولی در بند «ب» این ماده آمده که «دفاع مستند به قرائن معقول و خوف عقلایی باشد». این شرط را می‌توان از این بند استفاده کرد که اولاً، در صورت امکان فرار و خلاصی از چنگ متجاوز و مهاجم، قرینه معقول برای دفاع نیست و ثانیاً، در ذیل این بند آمده که خوف عقلایی باشد؛ با این قید، فرض امکان خلاصی و نجات از هجوم متجاوز از دایره دفاع مشروع خارج می‌شود. زیرا در این فرض، خوف عقلایی قابل تصور نیست و او می‌تواند خود را نجات بدهد. همچنین، این شرط از بند «ت» ماده قابل استفاده است که بیان داشته: «توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد...». این قید و شرط که برای مشروعیت دفاع بیان شده، در واقع می‌تواند بیان یکی از مصادیق و راه‌های تخلص و نجات از چنگال متجاوزین باشد و مصادیق زیادی برای تخلص و نجات از شر متجاوزین، مثل فرار، کمک‌خواستن و غیره قابل تصور است.

ب) شرط فعلیت تجاوز و خطر

شرط دوم این است که خطر تجاوز فعلیت داشته باشد. در کتاب *الدفاع الشرعی* بیان شده که امکان تصور ایجاد حالت دفاع وجود ندارد مادام که خطر وجود پیدا نکند. این یک امر معقول و مجمع‌علیه شرعی است (داود العطار، ۱۴۰۲ق، ص. ۱۲۷). فاضل هندی در *کشف‌اللاثام* فرموده است که: «شروع به دفاع واجب نیست مگر اینکه علم داشته باشد که متجاوز قصد جان یا مال یا حریم او را داشته باشد و یا ظن به امکان تسلط مهاجم در فرض عدم دفاع، عادتاً داشته باشد». این مطلب، فتوای علامه حلی در تذکره نیز هست. نهایت ایشان ظن به تعدی را علی‌الاقوی برای شروع دفاع شرعی کافی می‌داند (فاضل هندی، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۶۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج. ۹، ص. ۴۳۵). صاحب *جوهر فعلیت تجاوز* را یک امر اتفاقی می‌داند (نجفی، بی‌تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵۶). حضرت امام خمینی می‌فرماید: «بعد از تحقق قصد مهاجم ولو به قرائن، دفاع بدون اشکال جایز است. ولی اگر ظن به تجاوز داشت یا احتمال تجاوز که موجب خوف باشد بود، در این دو صورت اگر احساس امنیت نماید، ظاهر عدم جواز دفاع است» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۶۹).

از فقه‌های عامه، ابن تیمیه در *الفتاوی الکبری* گفته: «شخصی که مورد تجاوز قرار گرفته، بدون شک شروع به مقابله و قتال جایز نیست؛ منظور این است که تا وقتی اجبار و اکراه بر قتال نشده، جایز نیست. ولی وقتی مجبور شد، شروع به قتال جایز است» (ابن تیمیه، ۱۴۰۸ق، ج. ۳، ص. ۵۵۳). زحیلی هم در فقه الاسلامی فعلیت اعتدا و تجاوز را از شرایط دانسته و تجاوز مؤجل و تهدید تنها را برای شروع مقاتله کافی نمی‌داند (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۵۳).

در قانون نیز، این شرط در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مطرح گردیده است که بیان داشته: «...در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع...» در بند «الف» همین ماده بیان داشته: «رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد» این عبارت نیز، شرط فعلیت تجاوز و خطر را می‌رساند. نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است این است که در بند «پ» همین ماده شرط دیگری مطرح گردیده است که می‌گوید: «خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد». این یک شرط جدید است که در منابع فقهی امامیه و عامه مطرح نشده است.

ج) شرط تدریجی مراحل دفاع

یکی از شرایط مشروعیت دفاع این است که دفاع‌کننده علیه مهاجم و متجاوز، اعتماد بر «الاسهل فالاسهل» و تدریج داشته باشد. مثلاً اگر خطر دشمن، با توجه و آگاه شدن از وجود صاحب منزل دفع شد، این کار را باید انجام بدهد ولو با سرفه نمودن باشد؛ یعنی حضور خود را از این راه ظاهر سازد. اگر دفع نشد، با فریادکشیدن، خطر او را دفع کند. در فرض عدم دفع، از دست خود کمک بگیرد و بعد اگر نشد، از عصا استفاده کند و اگر این راه‌ها نتیجه‌بخش نبود، از سلاح استفاده نماید و این ترتیب باید رعایت شود که از ساده‌ترین راه شروع گردد و به سخت و سخت‌تر منجر شود. این تدرج و مبارزه «الاسهل فالاسهل» را فقها فرموده‌اند، ولی این ترتیب در نصوص نیامده است و نص خاص ندارد (نجفی، بی‌تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵۱). این ترتیب از «الاسهل فالاسهل» را حضرت امام خمینی و محقق اردبیلی و فاضل هندی نیز، بیان فرموده‌اند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۶۸؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۷ق، ج. ۱۳، ص. ۳۰۰؛ فاضل هندی، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۶۵۱). در کتاب *اسس الحدود، تهذیب الاحکام و مسالک الافهام*، عین همان ترتیب و تعبیر که صاحب *جوهر* و دیگران بیان کرده‌اند، بیان شده است.

عده‌ای معتقدند که چنانچه کسی که مورد تجاوز قرار گرفت، اگر با فریاد دفع می‌شود، به همین اکتفا کند. مثلاً در جایی است که کسی دیگری در آنجا است؛ اگر فریاد بکشد و صدای او را بشنود، تا او را کمک کند. اگر دشمن با فریاد دفع نشد، از دست خود و چوب کمک بگیرد و اگر نشد، از سلاح استفاده کند (تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۵۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۲۸، ص. ۱۵۹؛ شهید ثانی، ۱۴۲۹ق، ج. ۱۵، ص. ۴۹). ابن‌ادریس در *السرائر* بیان داشته است که اگر متجاوز در حال روبه‌روشدن با انسان بود و انسان از خود دفاع کرد و در نتیجه مهاجم به قتل رسید، خونس به هدر رفته و بر مدافع دیه و کفاره نیست. زیرا محسن است و خداوند فرموده: «ما علی المحسنین من سبیل» (توبه ۹۱). ولی اگر متجاوز پشت نمود به مدافع، دیگر



سنگ‌زدن و قتل آن جایز نیست. زیرا این کارها برای دفاع بود، ولی وقتی پشت کرد، ضرب و جرح آن جایز نیست. لذا اگر در حال روبه‌روشدن بر اثر ضربه، دست آن قطع شد و وقتی پشت نمود و بر اثر ضربه دیگر، دست دیگر او قطع شد، دست اولی دیه ندارد ولی دست دیگری قصاص یا دیه دارد (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج. ۳، ص. ۵۰۷).

تقریباً همان بیانی که فقهای امامیه در ترتیب دفاع دارند، همان بیان را در ترتیب فقهای عامه هم می‌توان دید. مثلاً در کتاب *روضه‌الطالبین* بیان شده: «فردی که مورد تعدی قرار گرفته، واجب است رعایت تدبیر و دفع «باهون فالاهون» را نماید؛ مثلاً اگر دفع مهاجم به کلام، فریاد و استغاثه به مردم امکان داشت، حق کتک‌زدن را ندارد. همین طور، اگر دفع به پرت‌کردنش در آب و آتش امکان داشت، نمی‌تواند او را کتک بزند». در آخر می‌گوید: «اگر دفع مهاجم جز با ضرب و شتم امکان نداشت، این کار را انجام بدهد ولی رعایت ترتیب را داشته باشد». مثلاً اگر با ضرب دست دفع می‌شود، از شلاق استفاده نکند؛ اگر با شلاق دفع می‌شد، از عصا استفاده نکند؛ در فرض امکان قطع عضو، هلاک‌نمودن وی جایز نیست (نووی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۳۹۲). در قانون نیز، این شرط از ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی قابل استفاده است که در این ماده قانونی آمده است: «... با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط جرم محسوب نمی‌شود.»

د) شرط حرام بودن تجاوز و تعدی

زحیلی شرط دیگری را از حنفی‌ها بیان کرده که تجاوز حرام و موجب عقاب و کیفر باشد و بر این اساس، حق تأدیب از طرف پدر یا زوج یا معلم و فاعل جاری‌کننده حد شرعی، متصف به تجاوز نمی‌گردد (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۵۴). این شرط در منابع فقهی امامیه و عامه مطرح نگردیده و نیاز به ذکر این شرط هم نیست و اساساً شرط نیست. زیرا در بعضی از منابع فقهی آمده کسی ظالمانه مورد هجوم دزد یا غیر دزد قرار گرفت، دفاع واجب است (موسوی خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۶۷). در تهذیب/الحکام بیان شده که هر گاه قصد مهاجم برای ظلم محرز شد ولو به قرائن که موجب اطمینان می‌شود، دفاع واجب است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۲۸، ص. ۱۶۳). شهید ثانی فرموده: هر گاه دخول مهاجم در خانه به صورت غلبه باشد، صاحب خانه حق محاربه را دارد (شهید ثانی، ۱۴۲۹ق، ج. ۱۵، ص. ۱۶). ابن‌قدامة حدیثی را از رسول خدا ذکر کرده که عنوان اعتدا و تجاوز مقید به غیر حق شده و فرموده: «کسی که مالش به غیر حق اراده شده، اگر مقاتله کرد و کشته شد، شهید است» (ابن‌قدامة، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۳۵۳).

در حقوق نیز، این شرط در چند بند از ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: الف) «در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد.» ب) «در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.» پ) «در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی‌صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد.» ت) «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و حفاظت باشد.»

این چند بند از این ماده قانونی به صراحت این شرط را می‌رساند؛ ولی گفته شد که در برخی از منابع فقهی عنوان تجاوز و اعتدا مقید به ظلم و غلبه شده بود که خود این شرط را بیان می‌کند و اشاره به این قید دارد. لذا نیاز نیست که به عنوان شرط مطرح باشد.

۴- موارد مشروعیت دفاع شخصی در فقه و حقوق

موارد معدودی است که کسی اگر مورد تعدی و تجاوز مهاجم قرار گرفته و باید از خود دفاع کند، این دفاع که محور اصلی این نوشتار است در چهار مورد صورت می‌گیرد: (۱) دفاع از نفس (۲) دفاع از عرض و حریم (۳) دفاع از مال (۴) دفاع از غیر که مورد اعتدا و تجاوز مهاجم قرار گرفته است.

الف) مشروعیت دفاع از نفس در فقه

یکی از مواردی که دفاع از آن برای شخص واجب است، نفس انسان می‌باشد که مورد تعدی و تجاوز متجاوز قرار گیرد که در آن، قصد جان انسان شود؛ دفاع واجب است به هر قدرت و توانی که امکان داشته باشد. اگرچه این دفاع، به جرح احتمالی یا قتل وی منجر شود. اکثر فقه‌های امامیه دفاع از نفس را واجب می‌دانند. فاضل هندی در کشف‌اللثام بیان داشته که «دفاع از نفس و حریم واجب است و تسلیم حرام است». همین بیان را شیخ در خلاف هم دارد؛ ایشان قدرت داشتن بر دفاع را قید نموده است که به مقتضای این قید، وجوب دفاع در فرض قدرت است (فاضل هندی، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۶۴۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ج. ۵، ص. ۳۴۵).

شیخ جعفر کاشف‌الغطا، وجوب دفاع را مقید کرده به اینکه احتمال حصول سلامت باشد؛ اما اگر علم داشته باشد که در دفاع کشته می‌شود، با توجه به اینکه نتیجه جریان مقاتله، کشته شدن یا کشتن است، در این صورت دفاع مستحب است. در خاتمه قول به وجوب دفاع را هم در این فرض اشاره کرده و فرموده: «گاهی گفته می‌شود دفاع واجب است» (کاشف‌الغطا، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۲۹۲). علامه حلی در اینکه دفاع واجب است یا نه؟ فرموده: «حق در نزد ما وجوب دفاع است» (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج. ۹، ص. ۴۳۵).

صاحب‌جوهر وجوب دفاع را ظاهراً به قدر توان واجب می‌داند اگرچه بداند دفاع، مقاتله برای نفس و دفاع از آن یکی دو ساعت یا کمتر طول می‌کشد و قید غلبه ظن به سلامت لازم نیست، بلکه دفاع واجب است چه غلبه به سلامت باشد و یا نباشد (نجفی، بی‌تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵؛ نجفی، بی‌تا، ج. ۲۱، ص. ۱۶). این وجوب دفاع و لو با علم به قتل را حضرت امام خمینی هم فرموده و مرحوم آقای میرزا جواد تبریزی هم گفته در فرض که حفظ نفس متوقف بر دفاع باشد، در وجوب دفاع، تأملی نیست (موسوی خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۶۸؛ تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۵۹).

شهید ثانی وجوب دفاع را اقوی و تسلیم را در فرض امکان، جایز نمی‌داند (شهید ثانی، ۱۴۲۹ق، ج. ۱۵، ص. ۵۰). سبزواری هم مانند بقیه فقه‌ها دفاع را واجب دانسته و اعتبار علم یا ظن بر غلبه را شرط نمی‌داند. وجوب دفاع در فرمایش محقق اردبیلی هم وجود دارد و شهید ثانی هم بر حسب قدرت بر دفاع، واجب



می‌داند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۲۸، ص. ۱۶۵؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۷ق، ج. ۱۳، ص. ۳۰۰؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ج. ۹، ص. ۳۴۸).

تقریباً وجوب دفاع را اکثر فقه‌های امامیه فرموده‌اند، با این تفاوت که بعضی، وجوب دفاع را مطلق گفته‌اند و بعضی از فقها قید امکان دفاع را آورده بودند. بعضی هم قید قدرت بر دفاع و بعضی قید احتمال حصول سلامت در دفاع را مطرح کرده بودند. ولی به‌طور کلی می‌توان گفت که اصل وجوب دفاع مورد اتفاق اکثر فقها است. هرچند که ظاهر فرمایش آیت‌الله خویی «جاز له فادفع» دارد (موسوی خویی، ۱۹۷۵، ج. ۱، ص. ۴۲۱). اگر مراد ایشان از جایز، اقدام باشد که همان واجب است ولی احتمال جواز که تساوی الطرفین باشد هم هست. اگر قید جواز در دفاع از نفس مطرح گردد، اینجا وجوب را نمی‌رساند. ظاهراً معنایش این است که کسی که مورد تجاوز قرار گرفت، اگر خواست می‌تواند از خود دفاع کند و اگر نخواست، دفاع واجب نیست. یعنی، به‌نوعی جواز تسلیم را می‌رساند. چنان‌که جواز تسلیم، یکی از دو قول شافعی است (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ج. ۵، ص. ۳۴۵) و این حرام است. زیرا قرار دادن نفس در معرض هلاکت بوده و مصداق آیه شریفه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره ۱۹۵) است.

حنفی‌ها دفاع از نفس را جایز می‌دانند و واجب نمی‌دانند و قول این‌ها موافق با سنت است و فرق هم ندارد که متجاوز صغیر باشد یا کبیر یا مجنون. آن‌ها استناد کرده‌اند به حدیثی از پیامبر اسلام (ص) در مورد فتنه‌ها فرموده: «در خانه بنشین اگر می‌ترسی شعاع پراکندگی نور شمشیر تو را خیره کند و صورت خود را بپوشان و در فتنه‌ها عبد مقتول باش نه عبد قاتل» (ابن قدامه، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۳۵۳؛ زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۵۶). شافعی هم در یکی از دو قول خود، رأی به عدم وجوب داده است. ابن تیمیه، جهت اختلاف را دو روایت می‌داند که طبق مفاد یک روایت، دفاع واجب است و طبق روایت دیگر، دفاع واجب نیست (ابن تیمیه، ۱۴۰۸ق، ج. ۳، ص. ۳۵۵).

ب) مشروعیت دفاع از نفس در حقوق

دفاع از نفس در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی بیان شده که می‌گوید: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری... مرتکب رفتاری شود... در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود...». این ماده قانونی به‌صورت مطلق وجوب دفاع از نفس را بیان کرده و هیچ‌گونه تفصیل داده نشده است. ولی در فقه از نظر شرط دفاع و اصل وجوب دفاع، مورد اختلاف است. مثلاً، برخی از فقه‌های امامیه قیود امکان دفاع یا قدرت دفاع یا احتمال حصول سلامت را شرط دانسته‌اند و برخی نیز وجوب دفاع را مطلق بیان کرده‌اند و برخی از مذاهب عامه، مثل شافعی‌ها، اصل وجوب را مقید کرده که متجاوز کافر باشد، برای اینکه تسلیم در برابر کافر ذلت است و نباید تسلیم شد. ولی اگر متجاوز مسلمان بود، دفاع واجب نیست. حنفی‌ها دفاع را جایز می‌دانند، جایز به‌معنای تساوی الطرفین است؛ یعنی می‌تواند دفاع کند یا نکند. با توجه به اختلاف فقهی در مسئله، این ماده قانونی از جهاتی مختلف اشکال دارد؛ مثلاً در قبال قیود فقه‌های امامیه در شرط وجوب دفاع و دیدگاه مذاهب عامه ساکت است.

ج) مشروعیت دفاع از عرض و ناموس در فقه

در وجوب دفاع شخص از عرض و حریم خود و در اینکه تسلیم جایز است یا نه؟ بین فقها اختلاف است. برخی از فقها قائل به وجوب دفاع از عرض و حریم شده‌اند، مثلاً حضرت امام خمینی فرموده: «دفاع از عرض و حریم مانند دفاع از نفس است». قبلاً بیان شد که دفاع از نفس را فقهای شیعه تقریباً به‌طور اتفاق واجب می‌دانستند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۴۷۱). علامه در قواعد و فاضل هندی در کشف‌اللاثام بیان داشته‌اند که دفاع از نفس و حریم واجب است و تسلیم در برابر مهاجم جایز نیست (علامه حلی، ۱۴۲۲ق، ج. ۳، ص. ۵۷۱؛ فاضل هندی، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۶۴۹). مرحوم سبزواری در تهذیب‌الاحکام دفاع از عرض را واجب عینی می‌داند، البته در صورتی که قدرت بر دفاع داشته باشد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۲۸، ص. ۱۵۸، ج. ۱۵، ص. ۱۰۲). همچنین وجوب دفاع از ظاهر عبارت علامه حلی در تذکرة‌الفرقهاء هم استفاده می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج. ۹، ص. ۴۳۵). شهید ثانی در مسالک، وجوب دفع را در فرض امکان، اقوی دانسته است (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج. ۹، ص. ۵۰).

اما در مقابل این فقها، برخی دیگر از فقهای امامیه هستند که قائل به عدم وجوب دفاع از عرض و حریم شده‌اند. مخصوصاً در جایی که دفاع، منجر به قتل مدافع شود، یا به‌طور صریح فتوی به وجوب و عدم وجوب دفاع نداده و تقریباً می‌شود گفت توقف کرده‌اند. مثل صاحب‌جوهر که فرموده است: عرض و آبرو در نزد کسانی که در این مورد حساس هستند اهمیت دارد (یعنی مانع می‌شوند که عرضشان از بین برود). بله، اگر باندن در دفاع از عرض به قتل می‌رسد و مهاجم از او دفع نمی‌شود، در این صورت، قول به حرمت دفاع به‌خاطر حفظ نفس، احتمال دارد. احتمال نیز دارد که وجوب یا جواز دفاع را بگوییم، مثل دفاع از نفس (نجفی، بی‌تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵۵). صاحب‌ریاض تصریح به جواز تسلیم کرده در صورتی که ظن به هلاکت باشد و این به‌خاطر این است که حفظ نفس اولویت دارد نسبت به حفظ آبرو. این بیان را علامه در تحریر‌الاحکام و مجلسی اول در روضة‌المتقین نیز این بیان را دارد (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۶، ص. ۱۶۵؛ علامه حلی، ۱۴۲۲ق، ج. ۵، ص. ۳۸۶). میرزا جواد تبریزی، وجوب دفاع از عرض را ملحق به مال کرده و دفاع از مال را اکثراً واجب نمی‌دانستند (تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۵۹).

ادله‌ای را که این فقها به آن‌ها استناد کرده‌اند، آیه ۱۷۳ از سوره بقره است که می‌فرماید: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره ۱۷۳) یعنی آن کس که مجبور شود در موقع ضرورت برای حفظ جان خود از آن بخورد در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد گناهی بر او نیست. دلیل دیگر روایات متعدد است مثل روایتی که عمر زنی را به‌خاطر اینکه مرتکب زنا شده بود، می‌خواست حد بزند، ولی علی (ع) به‌جهت اینکه آن زن مجبور به زنا شده بود، او را رها کرد. همچنین زنی را نزد امیرالمؤمنین (ع) آوردند که با مردی مرتکب زنا شده بود. زن سوگند یاد کرد که در این کار اکراه شده و حضرت او را رها نمود (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۱۸، صص. ۳۸۲-۳۸۴).

آنچه از دیدگاه فقهای امامیه دریافتیم، به نظر می‌رسد نظریه وجوب دفاع قوی‌تر است. اگرچه طرفداران این نظریه استناد به ادله نکرده‌اند، ولی دلیل قول دوم قابل‌خدشه است؛ زیرا آیه عام است و روایات این



باب در خصوص زنهاست که اکراه به زنا شده‌اند، ولی بحث ما عام است؛ علاوه بر زن‌هایی که عرض و حیثیتشان مورد تجاوز قرار گرفته، شامل مردها نیز می‌شود که حریمشان مورد هجومه واقع شده و خیلی مشکل است که تسلیم را اجازه کنیم و یا حداقل مثل صاحب جوهر توقف نماییم.

فقه‌های عامه اتفاق نظر دارند بر اینکه در جایی که عرض و حریم شخص مورد تجاوز قرار می‌گیرند، دفاع واجب است. زحیلی در کتاب *الفقه الاسلامی* بیان داشته: «هرگاه حیثیت و شرف زنی مورد تجاوز قرار گیرد، اتفاق فقها بر این است که در فرض دفاع از نفس برایش امکان داشته باشد، دفاع واجب است و ترک دفاع حرام می‌باشد و در ترک، نوعی تمکین است و اگر مهاجم بر اثر دفاع از بین رفت، خونس به هدر رفته است» (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۵۹). ابن‌قدامة در معنی بیان داشته: «در صورتی که دفاع از مال جایز باشد، مالی که بذل و اباحه آن جایز است؛ پس زنی که مورد تجاوز قرار گرفته، دفاع وی از نفسش به‌طریق اولی واجب است، با اینکه اباحه در نفس نیست و هرگاه این مطلب ثابت شد، بر زن واجب است که در صورت امکان از نفس خود دفاع کند. زیرا تمکین حرام و در ترک دفاع، نوعی تمکین است» (ابن‌قدامة، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۳۵۳). بیهوتی در *کشاف القناع* می‌گوید: «دفاع از حریم واجب است برای اینکه در حریم هم حق خودش است و هم حق خداوند که متجاوز را از فاحشه مانع شود» (بیهوتی، ۱۴۱۸ق، ج. ۶، ص. ۱۹۷). برخی دیگر از فقه‌های عامه دفاع از حریم و عرض را واجب دانسته‌اند، نهایت تحت عنوان دفاع از «بُضع» بعضی به‌طور مطلق گفته و بعضی دیگر قید کرده خوف از جان خود نداشته باشد و بعضی هم دفاع از مقدمات «بُضع» را مثل «بُضع»، واجب‌الدفاع دانسته‌اند (صنعانی، ۱۳۷۹ق، ج. ۴، ص. ۴۰؛ شربینی، بی‌تا، ج. ۲، ص. ۱۹۹؛ زکریا انصاری، ۱۴۱۸ق، ج. ۲، ص. ۲۹۱؛ هندی، ۱۴۱۸ق، ج. ۴، ص. ۱۹۵).

دلیلی را که بر این مطلب ذکر کرده‌اند، روایتی است که احمد در مسند خود آورده و آن روایت این است که مردی زنی را مورد آزار و اذیت قرار داده بود و اراده نفسش را داشت و خانم از خود دفاع کرد؛ سنگی را به سمت او پرتاب کرد و کشته شد. عمر قسم یاد کرد که خانم ابداً دیه پرداخت نمی‌کند. زیرا هرگاه دفاع از مال جایز باشد، مالی که بذل آن جایز است، پس دفاع زن یا مرد از نفس و حفظ نفس از فاحشه، نفسی که اباحه آن جایز نیست، به‌طریق اولی واجب است (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۵۹). از عبارات کتب فقهی عامه دانسته شد که این مسئله مخالف ندارد و یک امر اتفاقی است، گرچه در تعبیر اختلاف بود و برخی قیودی را اضافه کرده بود، ولی اصل وجوب دفاع از عرض و حریم را همه قائل‌اند.

د) مشروعیت دفاع از عرض و ناموس در حقوق

دفاع از عرض و ناموس در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی بیان شده که می‌گوید: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری... مرتکب رفتاری شود... در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:....». اگرچه این ماده قانونی دفاع از عرض و ناموس را مثل دفاع از نفس مطلق بیان کرده، ولی برخی از فقه‌های امامیه دفاع از عرض را جایز ندانسته و حرام می‌دانند و یا توقف کرده‌اند. مثلاً، صاحب جوهر بیان داشته: «در این صورت (دفاع از عرض)، احتمال دارد قول به حرمت دفاع به‌خاطر

حفظ نفس و احتمال نیز دارد که وجوب یا جواز دفاع را بگوییم، مثل دفاع از نفس (نجفی، بی تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵۵). صاحب ریاض، در صورتی که ظن به هلاکت باشد، تصریح به عدم جواز دفاع کرده و این به خاطر این است که حفظ نفس، اولویت دارد نسبت به حفظ عرض (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۶، ص. ۱۶۵). در اینجا فرمایش صاحب جواهر ظاهر در توقف است و صاحب ریاض به جهت اهمیت مسئله نفس در قبال عرض و حریم، تصریح به عدم دفاع دارد. لذا این ماده قانونی از این جهت که حفظ نفس مقدم بر عرض است، اشکال دارد که متذکر آن نشده است.

ه) مشروعیت دفاع از مال در فقه

در فرضی که مال کسی مورد تجاوز قرار گرفت، در اینکه دفاع از مال غیر واجب است یا نه؟ تقریباً فقهای امامیه اتفاق دارند بر اینکه واجب نیست، با این قید که طوری نباشد که حیات انسان به آن بستگی داشته باشد. در کتاب جواهر بیان شده که: مال در فرضی که حفظ نفس به آن توقف ندارد، دفاع از آن واجب نیست و این یک امر است که مخالف ندارد بلکه علاوه بر نصوص، اجماع محصل و منقول بر عدم وجوب دفاع است حتی نه تنها واجب نیست، بلکه به خاطر اهمیت نفس، دفاع حرام است. قریب به همین بیان، مرحوم سبزواری در مذهب/لا حکام دارد که با احتمال قتل دفاع واجب نیست، بلکه بدون احتمال قتل نیز، تسلیم واجب است، چه رسد به اینکه انسان علم به قتل داشته باشد (نجفی، بی تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۲۸، ص. ۱۶۲). فاضل هندی در کشف/اللاثام گفته است: انسان می تواند از مال خود دفاع کند، آنطور که از جان خود دفاع می کند، اگرچه کم باشد، ولی دفاع واجب نیست؛ برای اینکه در مال مسامحه جایز است، ولی در جان و عرض جایز نیست. مگر اینکه انسان در صورت فقدان مال، به اضطراب و ضرورت قرار بگیرد که در این صورت دفاع عقلاً واجب است. عین این بیان را شهید در مسالک نیز دارد (فاضل هندی، بی تا، ج. ۱۰، ص. ۶۴۹؛ شهید ثانی، ۱۴۲۹ق، ج. ۱۵، ص. ۵۰).

از دیگر کسانی که دفاع را واجب نمی دانند، علامه حلی در تذکره است. آقای شیخ جعفر کاشف الغطاء، دفاع از مال را مستحب می داند. مگر اینکه در فقدان مال، ظن به ترتب تلف داشته باشد (علامه حلی، ۱۴۱۹ق، ج. ۹، ص. ۴۳۵؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۲۹۲). برخی از فقهای معاصر مثل مرحوم آقای خویی ترک دفاع از مال را جایز می داند و حضرت امام خمینی ترک دفاع را از باب احتیاط می داند و آقای جواد تبریزی، ظاهر عدم وجوب دفاع را می گوید (موسوی خویی، ۱۹۷۵، ج. ۱، صص. ۲۶۹، ۳۴۹؛ تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۵۹). کلام فقها مورد بررسی و ملاحظه قرار گرفت و معلوم شد که کسی وجوب دفاع در برابر مال را نگفته اند و همه به نوعی ترک دفاع را بیان کرده اند؛ نهایت با تعبیر مختلف مثل جواز ترک دفاع یا احتیاط در ترک دفاع است یا عدم وجوب دفاع و به طور کلی فرمایش صاحب جواهر که به خاطر اهمیت جان انسان، نه تنها واجب نیست، بلکه حرام است (نجفی، بی تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵۲) این فرمایش متین است. زیرا هیچ انسان عاقلی جانش را فدای مال نمی کند.

در منابع فقهی امامیه، علاوه بر اجماعی که در فرمایش صاحب جواهر بود، دلیل بر عدم وجوب دفاع در خصوص مال به نصوص استناد شده است که به ذکر دو روایت اکتفا می شود. الف) روایت اول از پیامبر

اسلام است که می‌فرماید: کسی که به دفاع از مالش کشته شود، به منزله شهید است و بعد در ذیل روایت می‌فرماید: اگر من بودم مال را رها می‌کردم و مقاتله نمی‌کردم (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۱۸، ص. ۵۸۹). (ب) روایت دوم از ابی بصیر از ابی جعفر (ع) است در خصوص مردی که به خاطر مالش مقاتله کرده که حضرت می‌فرماید: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که به خاطر مالش کشته شود، به منزله شهید است و بعد سؤال می‌شود که آیا مقاتله افضل است؟ می‌فرماید: اگر دفاع و مقاتله ترک شود مشکل ندارد ولی اگر من بودم دفاع و مقاتله را ترک می‌کردم (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۱۸، ص. ۵۸۹).

محقق اردبیلی می‌فرماید: این روایت دلالت دارد بر جواز مقاتله برای مال و عدم وجوب حفظ مال توسط مقاتله، ولی افضل ترک مقاتله است، نه جواز مقاتله که مفاد روایت است (محقق اردبیلی، ۱۴۱۷ق، ج. ۱۳، ص. ۳۰۲). این روایت تنها جواز دفاع را می‌رساند که یک امر متساوی‌الطرفین است (جواز و عدم جواز مقاتله)، ولی ایشان این تساوی را قبول ندارد و ترک مقاتله را افضلیت داده است. این فرمایش ایشان تمام است، البته نه از جهت اینکه روایت صحیح نیست، بلکه برای این است که ذیل روایت همین افضلیت را می‌رساند.

جمهور فقهای عامه دفاع از مال غیر را جایز می‌دانند، فرقی هم ندارد که مال زیاد باشد یا کم؛ اما بعضی از فقهای عامه معتقدند عدم وجوب دفاع در صورتی است که مال کم باشد (زحلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۶۲). تفصیل دیگری را شافعی‌ها داده‌اند که: اگر مال ذی‌روح نبود، دفاع از آن واجب نیست. زیرا اباحه مال به غیر جایز است؛ اما مالی که روح دارد، هرگاه مورد تعدی و قصد اتلاف دیگران واقع شود، دفاع از آن واجب است، البته مشروط به اینکه نسبت به جانس بیم نداشته باشد. لذا اگر کسی دید که حیوانش را اجنبی مورد اتلاف قرار داده، علی‌الاصح دفاع واجب است. علت آن این است که ذی‌روح احترام دارد (شرینی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۱۹۵). نووی در کتاب روضه گفته دفاع از مال جایز است اگرچه کم باشد (نووی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۳۹۲). در فتح‌المبین بیان شده که دفاع از مال که روح ندارد واجب نیست (هندی، ۱۴۱۸ق، ج. ۴، ص. ۱۹۴). در حاشیه دهمسوقی ادعا شده که اگر نبود مال موجب هلاکت یا شدت اذیت صاحب شود، دفاع از آن واجب است. در غیر این صورت، دفاع واجب نیست. این یک مسئله اتفاقی است. صنعانی جواز دفاع از مال را استناد کرده به حدیث پیامبر (ص) که فرموده: کسی در دفاع از مال خود کشته شود شهید است. و گفته این حدیث در صحاح اربعه آمده و ترمذی آن را صحیح دانسته است. در ادامه می‌گوید: این حدیث دلیل جواز دفاع از مال است و این جواز، قول جمهور است. ابن‌قدامة هم از کسانی است که دفاع از مال را واجب نمی‌داند (صنعانی، ۱۳۷۹ق، ج. ۴، ص. ۴۰؛ ابن‌قدامة، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۳۴۸). فقهای عامه اکثراً جواز دفاع را گفته‌اند و جواز دفاع، وجوب را نمی‌رساند و خیلی کم از فقهای عامه هستند که وجوب دفاع را گفته باشند. اگر کسی قائل به وجوب دفاع باشد، آن هم بالتفصیل است. مثلاً جایی که مال، وسیله حیات و ضرورت زندگی صاحبش باشد که در این صورت دفاع از مال مثل دفاع از نفس می‌باشد و یا تفصیل داده شده بین جایی که مال، بی‌روح و ذی‌روح که این تفصیل زیاد قابل توجه نیست.

و) مشروعیت دفاع از مال در حقوق

دفاع از مال در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی بیان شده که می‌گوید: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری... مرتکب رفتاری شود... در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود...». این ماده قانونی دفاع از مال را با وجود شرایطی، مطلق بیان کرده و فرق بین دفاع از نفس، عرض، ناموس و مال نگذاشته است؛ ولی وجوب دفاع از مال به طور مطلق که در این ماده بیان شده، مورد تأمل است و باید صور دفاع از مال تفصیل داده شود. مثلاً مال اگر طوری باشد که زندگی انسان بستگی به او دارد، در این صورت می‌توان گفت که دفاع واجب است. در غیر این صورت مشکل است که قاتل به وجوب دفاع شد. چنان که فقهای امامیه تقریباً اتفاق نظر دارند که دفاع از مال واجب نیست. این عدم وجوب دفاع، مستند به اجماع و نصوص است، اگرچه برخی دفاع را در صورتی واجب دانسته‌اند که حیات انسان بستگی به آن مال داشته باشد. همچنین، فقهای عامه دفاع از مال را جایز می‌دانند، نه واجب. پس این ماده قانونی خلاف فتوای فقها، اجماع، مستندات و ادله فقهی است.

ز) مشروعیت دفاع از غیر در فقه

دین مقدس اسلام مؤمنین را تحریک و تحریص نموده بر اشاعه و تحقق تعاون در جامعه اسلامی. خداوند می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، یعنی در راه نیکی و پرهیزگاری با هم همکاری کنید» (مائده ۲). اگر انسان شاهد بود که کسی مورد تعدی و تجاوز قرار گرفت، در اینکه دفاع از آن واجب است یا نه، برخی از فقهای شیعه، این دفاع را واجب دانسته‌اند. البته تقریباً همه این قید را دارند که امنیت جانی داشته باشد. مثلاً مرحوم علامه در تحریر بیان داشته که: در فرض قدرت و امنیت جانی، دفاع از غیر واجب است. و عین این بیان را فاضل هندی دارد (علامه حلی، ۱۴۲۲ق، ج. ۵، ص. ۳۸۴؛ فاضل هندی، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۶۴۹). میرزا جواد تبریزی، وجوب دفاع را از نفس غیر و مالی که اگر تلف شود، در حرج قرار می‌گیرد، بعید نمی‌داند (تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۵۸). کاشف‌الغطا و صاحب‌جوهر وجوب دفاع را مقید به ظن به سلامت نموده‌اند (کاشف‌الغطا، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۲۹۲؛ نجفی، بی‌تا، ج. ۲۱، ص. ۱۶). سبزواری دفاع از نفس و مال غیر را در ردیف دفاع از جان، عرض و مال خود انسان قرار داده است. و تقریباً همین بیان را محقق اردبیلی در مجمع‌البرهان نیز دارد. صاحب‌جوهر در بخش حدود همین نظر دارد که دفاع از غیر مطلقاً واجب است و نظر علامه حلی و فاضل هندی که قید ایمنی از ضرر را شرط وجوب دفاع دانسته‌اند، مورد تأمل قرار داده است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۲۸، ص. ۱۵۷؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۷ق، ج. ۱۳، ص. ۳۰۰؛ نجفی، بی‌تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵۰). از گفته‌های فقهای دانسته شد که اصل وجوب دفاع، مسلم است. اما بعضی به صورت مطلق آورده‌اند و بعضی قید سلامت و یا ظن به سلامت را شرط نموده بودند و بعضی از فقها که اصلاً متذکر مسئله دفاع از غیر نشده‌اند. مانند حضرت امام خمینی در تحریر و شهید ثانی در *اللمعة الدمشقية* و مسالک‌الافهام.



دلایلی که بر این مطلب از برخی فقها اقامه شده عبارت‌اند از: (۱) آیه ۲ سوره مائده که در اول بحث ذکر شد. (۲) اصل است که این را هم صاحب جواهر و هم سبزواری گفته‌اند. (۳) اجماع و سیره عقلا که این دو تا را سبزواری بیان داشته است (نجفی، بی‌تا، ج. ۴۱، ص. ۶۵۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج. ۲۸، ص. ۱۵۷). (۴) روایات متعدد، از جمله این روایت است که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: کسی شنید مردی را که فریاد می‌زند و مسلمین را به یاری طلب می‌کند، ولی جواب او را نمی‌دهد، مسلمان نیست (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۱۱، ص. ۱۰۸). حدیث دیگری از رسول خدا (ص) که می‌فرماید: کمک کردن تو ضعیف را بهترین صدقه است (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۱۱، ص. ۱۰۸). و روایت دیگر از امیرالمؤمنین (ع) است که می‌فرماید: خداوند راضی است و دوست دارد عمل کسی را که وقتی می‌بیند عده‌ای مورد هجوم و حمله درنده‌ها و دزدها واقع شده‌اند، مورد حمایت و دفاع قرار می‌دهد (حر عاملی، بی‌تا، ج. ۱۱، ص. ۱۰۸).

دفاع از غیر، در فقه عامه تقریباً مورد اتفاق است. اگرچه در تعبیر برخی از فقها قید شده که: حامی امنیت جانی داشته باشد مثلاً زحیلی در *اللقه الاسلامی* دفاع از خانمی که مورد سوءنیت مرد اجنبی قرار گرفت واجب دانسته، اگرچه این منجر به قتل شود، ولی با دو شرط: الف) امکان دفاع باشد. ب) خطر جانی نداشته باشد. علت این دو شرط این است که اعراض از محرمات الهی است و راهی برای اباحه آن نیست و فرق نیز ندارد که عرض، مال شخصی دفاع‌کننده باشد یا از غیر آن (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۷۵۹). ابن‌قدامة در معنی بیان داشته است: اگر نفس، مال یا ناموس دیگری مورد تعدی و تجاوز قرار گرفت، بر دیگری واجب است که از آن دفاع کند و اگر اهل قافله مورد هجوم واقع شدند، بر غیرقافله واجب است که از آن‌ها دفاع کند. زیرا اگر دفاع نشود و تعاون در کار نباشد، مال مردم از بین می‌رود و دزدها و قطاع‌الطریق تنها می‌مانند برای غارت مال مردم (ابن‌قدامة، بی‌تا، ج. ۱۰، ص. ۳۵۳).

بعضی از فقهای عامه دفاع از غیر را در ردیف دفاع از خود شخص قرار داده و گفته: دفاع از نفس طرف، منفعت، «بُضع»، مقدمات «بُضع» و مال واجب است و فرقی ندارد که این‌ها مال دفاع‌کننده باشد یا غیرش و بعضی دیگر بیان داشته دفاع از غیر جایز است. همین طور دفاع واجب است از ذمی که مورد هجوم مسلمان قرار گرفته یا پسری مورد تعدی پدر واقع شده یا عیدی مورد تجاوز مولی خود قرار گرفته است و در خصوص «بُضع» هم گفته شده دفاع از آن واجب است فرق ندارد مربوط به خودش باشد یا غیرش (نووی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۳۹۲؛ زکریا انصاری، ۱۴۱۸ق، ج. ۲، ص. ۲۹۱؛ هندی، ۱۴۱۸ق، ج. ۴، ص. ۱۹۵؛ شربینی، بی‌تا، ج. ۲، ص. ۱۹۹).

ادله‌ای که فقهای عامه استناد کرده‌اند، عبارت‌اند از: الف) آیه شریفه «فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ» (بقره ۱۹۴) یعنی هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تجاوز کنید و از خدا بپرهیزید و زیاده‌روی ننمایید. ب) دلیل دیگر، روایات است، یکی از این روایات فرمایش پیامبر (ص) است که می‌فرماید: برادرت را یاری کن ظالم باشد یا مظلوم (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج. ۳، ص. ۹۸). یاری کردن مظلوم که معلوم است و یاری ظالم به این است که مانع شوی و جلوی ظلم آن را بگیری! این جلوگیری

از ظلم او، یاری کردن به اوست. روایتی دیگر از پیامبر (ص) است که می‌فرماید: کسی که در دفاع از جان، مال و اهلش کشته شود، شهید می‌باشد (سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج. ۲، ص. ۴۳۰).

ح) مشروعیت دفاع از غیر در حقوق

مشروعیت دفاع از غیر، هم در ماده ۱۵۶ قانون مجازات است و هم در تبصره ۱ این ماده قانونی آمده و بیان داشته است که «دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع‌کننده باشد یا مسئولیت دفاع از وی بر عهده دفاع‌کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید، یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.» اگرچه این ماده قانونی دفاع از غیر را در طی مراحل بیان کرده، ولی مجموع مراحل تقریباً همان وجوب دفاع مطلق را از غیر ثابت می‌کند و شاید مرحله‌ای نباشد که خارج از مراحل مذکور باشد. چنانچه فقهای امامیه و عامه اتفاق نظر بر وجوب دفاع از غیر را بدون قید مراحل و به‌طور مطلق دارند. گرچه برخی شرط کرده‌اند که اطمینان از سلامت برای دفاع‌کننده لازم است.

نتیجه‌گیری

بررسی دفاع مشروع در فقه اسلامی نشان می‌دهد که این مسئله، علی‌رغم شباهت‌هایی که با مفاهیم حقوقی دارد، از مبانی فقهی عمیق و قواعد روشنی برخوردار است. دفاع مشروع در فقه اسلامی، در صورتی پذیرفته می‌شود که چند شرط اساسی به‌صورت هم‌زمان تحقق یابد: نخست آنکه خطر، فعلی، قریب‌الوقوع و جدی باشد و امکان رجوع به مرجع قانونی یا گریز از موقعیت خطر، وجود نداشته باشد. دوم آنکه اقدام دفاعی به‌عنوان تنها راه برای دفع تجاوز ضرورت داشته و از حداقل ممکن فراتر نرود. سوم آنکه بین شدت تجاوز و شدت دفاع، تناسب نسبی برقرار باشد. چهارم آنکه شخص مدافع، با قصد دفاع و نه انتقام یا تعدی، وارد عمل شده باشد. پنجم اینکه تجاوز باید غیرقانونی و فاقد مجوز شرعی یا قانونی باشد.

در فقه اسلامی، مصادیق دفاع شخصی شامل دفاع از نفس، مال، عرض و حتی گاه دفاع از غیر (در صورت احراز شرایط مشابه) می‌شود. افزون بر آن، در برخی متون فقهی، دفاع از حریم عمومی و مصالح اجتماعی نیز ذیل عنوان دفاع مشروع قرار می‌گیرد، به‌شرط آنکه ضرورت و فوریت آن اثبات گردد. بنابراین، دفاع مشروع در فقه اسلامی با رعایت شرایط مشخص، نه‌تنها جایز، بلکه در برخی موارد واجب شمرده شده و فرد مدافع، در صورت رعایت ضوابط فقهی، از مسئولیت معاف خواهد بود. این چارچوب دقیق، ضمن حفظ امنیت فردی، از سوءاستفاده احتمالی از عنوان دفاع جلوگیری می‌کند و تعادلی میان حق دفاع و منع خشونت غیرمجاز برقرار می‌سازد.



منابع

قرآن کریم

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (بی تا). *المغنی*. بیروت: دارالکتاب العربی للنشر و التوزیع.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (١٤٠٥ق). *لسان العرب*. نشر ادب الحوزة.
- ابوالبرکات. (بی تا). *شرح الکبیر*. دار إحياء الكتب الإسلامية العربية.
- انصاری، زکریا. (١٤١٨ق). *فتح الوهاب*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (١٤٠١ق). *صحیح البخاری*. بیروت: دارالفکر.
- بکری دمیاطی، محمد بن اسماعیل. (١٤١٨ق). *إعانة الطالبین*. بیروت: دارالفکر.
- بیهوتی، منصور بن یوسف. (١٤١٨ق). *کشاف القناع*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- تبریزی، میرزا جواد. (١٤١٧ق). *أسس الحدود و التعزیرات*. بی جا: بی نا.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). *وسائل الشیعة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- زحیلی، وهبة. (١٤١٨ق). *الفقه الاسلامی و أدلته*. دمشق: دارالفکر.
- سبزواری، عبد الاعلی. (١٤١٣ق). *مذهب الأحکام*. قم: مکتبه آیت الله سبزواری.
- سجستانی، سلیمان بن اشعث. (١٤١٠ق). *سنن أبی داود*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- شربینی، محمد بن احمد. (بی تا). *الاقناع فی حلی ألفاظ أبی شجاع*. دارالمعرفة للطباعة.
- طباطبایی، سید علی. (١٤١٢ق). *ریاض المسائل*. قم: جامعة المدرسين.
- طریحی، فخرالدین. (١٣٦٧ق). *مجمع البحرین*. نشر الثقافة الاسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن. (١٤٢٣ق). *الخلاف*. بی جا: بی نا.
- عاملی، محمد بن مکی. (١٤١٠ق). *اللمعة الدمشقیة*. تهران: المکتبة الاسلامیة.
- علامه حلی. (١٤١٩ق). *تذکرة الفقهاء*. قم: مؤسسة إحياء التراث.
- علامه حلی. (١٤٢٢ق). *تحریر الأحکام*. قم: مؤسسة الامام صادق (ع).
- فاضل هندی. (١٤١٦ق). *کشف اللثام*. قم: جامعة المدرسين.
- قرطبی. (١٤٠٥ق). *تفسیر قرطبی*. بیروت: دار إحياء التراث.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر. (١٤٢٢ق). *کشف الغطاء*. قم: بوستان کتاب.
- مجلسی، محمدتقی. (بی تا). *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. بی جا: بی نا.
- محقق اردبیلی، احمد. (١٤١٧ق). *مجمع الفائدة و البرهان*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- مقری فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). *مصباح المنیر*. بی جا: بی نا.
- موسوعة الفقه الاسلامی. (١٤٣١ق). *نشر دائرة المعارف الفقه الاسلامی*.
- موسوی خمینی، روح الله. (بی تا). *تحریر الوسيلة*. قم: مکتبة العلمیة الاسلامیة.
- موسوی خویی، ابوالقاسم. (١٩٧٥). *مبانی تکملة المنهاج*. النجف الأشرف: مطبعة الآداب.
- نووی. (بی تا). *روضة الطالبین*. بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیة.
- هندی. (١٤١٨ق). *فتح المعین*. بیروت: دارالفکر.